

ماجرای روستایی که با پرداخت زکات آباد شد

از راه‌اندازی گیم‌نت برای بچه‌ها تا ترک معتادان!



چشم‌روشنی امروزمان درباره ابتکار جالب امام‌جماعت روستای فراشیان در شهرستان جغتای استان‌مان است. او هجده سال است که به تبلیغ دین و ترویج معارف اهل‌بیت^(ع) می‌پردازد و تلاش می‌کند برای تبلیغ و ترویج دین‌روش‌های نو و متناسب با وضع هر منطقه را به‌کارگیرد. امام‌جماعت روستای فراشیان برای بازسازی واحیای محله‌اش ابتکاری جالب داشت که توانسته است موجب استقبال روستاییان در پرداخت زکات شود. او که از پنج سال پیش برای تبلیغ به این روستا رفته است، در سال ۱۴۰۱ حدود ۲میلیارد تومان زکات از اهالی روستا جمع و آن را خرج امور فرهنگی و خیریه همان روستا کرد.

او حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی‌هادی‌زاده نام دارد که با کمک مردم و از محل پول‌های زکات توانست مرکز نیکوکاری روستا را فعال کند،

برای ده‌ها نفر شغل ایجاد کند و از ۵۵۰خانواده نیازمند حمایت کند. پارسال بیش از ۱۰مورد اشتغال‌زایی در زمینه دام‌پروری، بسته‌بندی، خیاطی، جوراب‌بافی و... صورت‌گرفته است. او می‌گوید: «در جمع بچه‌های آن‌ای حاضر شدم و از هشتاد نفر از این افراد که موفق به ترک اعتیاد شده‌اند، حمایت کردیم تا بتوانند شاغل شوند. زمینه ترک اعتیاد ۱۰معتاد دیگر هم فراهم شده است. یکی از معتادان که با کمک مسجد ترک کرد و موفق به نجات از بلای خانمان سوز شد، به واسطه مهارتی که در زمینه خیاطی داشت، در یکی از تولیدی‌ها مشغول به کار شد. پارسال پنج نفر از اهالی روستا با وام‌هایی که از کمیته امداد گرفتند، توانستند تراکتور بخرند و پنج نفر نیز در عرصه دام‌پروری مشغول به کار شده‌اند. یک کارگاه تولید لفل و یک کارگاه جوراب‌بافی و یک کارگاه خیاطی و دو مغازه

سوپرمارکت هم در ادامه این اشتغال‌زایی ایجاد شد، از دیگر اقدامات امام‌جماعت محله این است که پس از رایزنی با یک شرکت، مکانی را که متعلق به هیئت این شرکت بود، برای راه‌اندازی خانه ورزش در اختیار گرفت و با خرید تشک و لوازم ورزشی و میز تنیس، محلی را برای ورزش و اوقات فراغت جوانان و نوجوانان فراهم کرد. او می‌گوید: «در اقدام دیگری سوله‌ای در پی رایزنی با سپاه و کمک منابع زکات آماده شد و برای ورزش در اختیار جوانان قرار گرفت. راه‌اندازی گیم‌نت در ساختمان قدیمی بانک با تلاش جوانان و نظارت مسجد برای انجام بازی‌های رایانه‌ای اقدام دیگری بود که برای پرکردن فراغت جوانان با برنامه‌های فرهنگی سالم محقق شد، خدا قوت حاج‌اقا! لطف و خیرتان بیش باد. اجرتان با خدا.

معلم مشهدی ۸سال پیش قطع نخاع شد؛ اما عشق به مدرسه و دانش‌آموزان، باعث شد او خانه‌نشین نشود

روی ویلچر نشست، پای درسی ایستاد



عکس: مهدی‌گلای شوراوار

روزنامه‌نگار
تیم حایود

گزارش
روز

«بله بابا» گفتنش در جواب بچه‌ها ارتباطی به سن و سالش ندارد، چون تازه چهل سالش شده است. اما همه را به چشم‌فرزند خودش می‌بیند. دوده‌سروکله‌زن یادانش آموزان، ناخودآگاه حس پدری آن‌ها را در کلامش هم باقی گذاشته است. آن قدر شیفته فضای مدرسه و بچه‌ها بوده است که آن حادثه‌ای که به قول خودش «نمی‌دانم چی شد و از کجا آمد»، اگرچه سنگ‌های زیادی سر راهش گذاشت، با هر مشقتی بوده فضای آموزش برگرداندش. روی ویلچری که خیلی هم درست‌حسابی نیست و پشت میز کوچکی نشسته است و در راهرو خانه‌ای به عرض یک‌میزکه تبدیلیش کرده‌اند به اتاق مدیریت، می‌رود و می‌آید، از این کلاس به آن کلاس و حیاط. وقتی پشت میزش نشسته است و امکان رفتن ندارد، سر می‌چرخاند تا جواب بچه‌ها را بدهد: «بله بابا!»

افتامد و تمام. به همین سادگی قطع نخاع

شد. سالی که آن اتفاق افتاد، بخشی سی‌ساله بود، متأهل و دارای یک فرزند دوساله. ناگهان زمین گیر شد. می‌توانست روی همان تخت بماند و هرگز به زندگی عادی برنگردد. همه برنامه‌ها و امیدهایش از بین رفته بودند. خودش می‌گوید: «تازه همه چیز روی ریل افتاده بود. قسط و قرض‌های خانم‌ام را صاف کرده بودم و برای آینده هزارتا برنامه داشتم، سه ماه در خانه استراحت مطلق بود. باید به گفته پزشکش شش ماه در خانه می‌ماند، اما این کار را نکرد: «مدیر مدرسه‌ای که من معلمش بودم، می‌گفت بچه‌های کلاس با معلم جدیدشان همکاری نمی‌کنند. کلی با بچه‌ها تلفنی حرف‌زدم تراضی شدند، اما دیدم خودم هم نمی‌توانم دور از مدرسه بمانم. اوضاع مالی زندگی‌ام هم با قطع شدن حقوق حق‌الزحمه و بدون بیمه و از کارافتادگی خراب بود. این شد که برگشتم مدرسه.»

اوایل، بچه‌های هیئت می‌آمدند و او را روی ویلچر می‌گذاشتند و می‌بردند مدرسه و کارهای سیستمی را انجام می‌داد، اما روزی که کسی نبود، راه افتاد: «کرم را با یک طناب می‌بستم و روی ویلچر می‌نشستم. بعد از آن مدرسه، دفتردار یک مدرسه دیگر شدم. خیلی

نگذشت. دیدم دیگر نمی‌توانم آن تأثیری را که معلم می‌گذار، داشته باشم. کار هیئتی هم نمی‌توانستم انجام بدهم. پس به ذهنم رسید که خودم مجوز مدرسه غیردولتی بگیرم تا بتوانم بچه‌ها را با روحیه دینی و انقلابی خودم تربیت کنم.»

سال ۱۳۹۴، دو سال از حادثه گذشته بود و او هنوز نتوانسته بود از کارافتادگی بگیرد، اما با دوندگی‌های زیاد، قرض و فشار بسیار مالی سرانجام مجوز مدرسه را در دست دارد و بچه‌ها را ثبت‌نام می‌کند، از پیش‌دستانی تا کلاس ششم در دبستان نورالثقلین با تربیت قرآنی. ۲۵ساعت دروس آموزش و پرورش تدریس می‌شود و بین شش تا دوازده ساعت دروس دینی، احکام، اخلاق، خداشناسی، پیامبرشناسی و مهارت‌های زندگی. شرط ورود به مدرسه حفظ چندسوره از جزء سی‌ام قرآن است و بعد از آن بچه‌ها باید هرسال دست کم یک جزء قرآن حفظ کنند. بعضی‌ها تا سالی دوسه جزء هم حفظ کرده‌اند. طوری برنامه‌ریزی کرده‌اند که اگر پسر بچه‌ای از پیش‌دستانی وارد مدرسه‌اش شود و تا کلاس ششم بماند، حافظ کل قرآن فارغ‌التحصیل خواهد شد.

درجه قرآنی طاهارا انشانمان می‌دهد که روز ورزش که همه مجاز به پوشیدن لباس ورزشی هستند هم باز فرم مدرسه را پوشیده است. فرمانش کمی متفاوت است. آن را هم خودش طراحی کرده است: «لباس‌های فرمانش پلنگی است. من تصور می‌کنم بچه‌ها باید با روحیه سربازی و خدمتگزاری مانند نیروی بسیج که نیرویی مخلص است، بزرگ شوند. روی بازوی راست لباس فرم، پرچم ایران است و روی بازوی چپ نوشته است سربازان گمنام ولی‌عصر^(ع)». لباسشان واقعا شبیه نظامی‌هاست، چون

درجه هم دارند، نه درجه شکلی و تزئینی، بلکه واقعی و همراه با مراسم خاصی روی شانه‌هایشان چسبانده می‌شود: «درجه‌ها که رویش نوشته «قرآن»، مفهومی دارد. هر جزء را که حفظ کنند، یک درجه می‌گیرند. سه تا که بشود، می‌گیریم و یک درجه دیگر می‌دهیم که شکش فرق می‌کند. بچه‌ها باید هربش محفوظاتشان را ارائه بدهند. در جدول ثبت می‌کنیم و به سطح خاصی که برسند، مراسم می‌گیریم و درجه می‌دهیم.»

بخشی معتقد است بچه‌هایی که قرآن حفظ می‌کنند، در مباحث علمی و تربیتی هم رشدشان بیشتر است. در المپیادهای درسی هم مقام‌های زیادی دارند و اومی‌گوید همان‌ها که در حفظ قرآن موفق هستند، در المپیاد هم مقام می‌آورند: «چون روحیه مذهبی و انقلابی داشتم، از تأثیر کمک گرفتن تا نوع تربیت دینی را برپایه آن شاد و متنوع سوار کنم، طوری که بچه‌ها دوست داشته باشند. گروه تئاتر و سرود ما امسال رتبه اول ناحیه^۱ را آورد. گروه هم‌خوانی قرآن کریم و نقالی ما هم همین‌طور. این‌ها باعث می‌شود بچه‌ها بیشتر به‌سوی مباحث دینی جذب شوند، نه فقط مباحث خشک و سخت‌گیرانه.»

معلمی با هزار مکافات • درجه قرآنی «با هزاران مکافات و بدبختی کارم را ادامه دادم. حتی آموزش و پرورش هم مرا استخدام نکرد، درحالی که استخدام ۳درصد از معلولان قانون است، اما فقط روی کاغذ. فکر می‌کنم تنها مؤسس مشهدی باشم که بعد از معلولیت مجوز گرفته‌ام، برای شورای مؤسسان غیردولتی هم ثبت‌نام کردم. اما مرا نپذیرفتند، فقط به دلیل اینکه معلول هستم. این ذهنیت همه‌جا هست، درحالی که من حتی اگر روی تخت هم بمانم، می‌توانم مدرسه را مدیریت کنم.» بخشی در سال‌هایی

چشم‌تان روشن

خبرهایی که حال دلمان را خوب می‌کند
برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی‌ها، آدمیزاد به امید زنده‌است. برای امیدواری بهانه که هیچ، دلیل هاهم فراوان‌اند. می‌گویید نه؟ کافی است هر روز به چشم‌تان روشن، سری بزنید و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده‌ایم، نگاهی بیندازید. کوچک یا بزرگ، فرقی نمی‌کند؛ اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را با هم‌شهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی‌مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۶۶ پیامک بدهید تا در کوتاه‌ترین زمان باشما تماس بگیریم و چشم مردم را به خبر خوش‌تان روشن کنیم.

گفت‌وگو

مدیر کل بهزیستی استان خراسان رضوی اعلام کرد
کودکان شیرخوار در صدر تقاضا
برای فرزندخواندگی

علی‌صمدی جوان! این روزها در جامعه افرادی هستند که بنا به دلایل گوناگون نتوانسته‌اند صاحب فرزند شوند. یکی از روش‌های صاحب فرزند شدن، مراجعه به مراکز معرفی شده بهزیستی برای پذیرش فرزندخوانده است تا پس از مراحل قانونی، بچه‌ای را به فرزندخواندگی بردارند و طعم شیرین مادری و پدری را بچشند. پارسال سرپرستی ۳۵۰ فرزند را خانواده‌های متقاضی واجد شرایط به عهده گرفتند. دکتر مسعود فیروزی، مدیرکل بهزیستی استان خراسان رضوی، در توضیح این خبر بیان کرد: واگذاری فرزند در مراکز بهزیستی بسیار محدود است. برخی خانواده‌ها گمان می‌کنند که بهزیستی نمی‌خواهد فرزندان بی سرپرست را به آن‌ها بسپارد و در این باره کارشکنی می‌کند، درحالی که ما خیلی دوست داریم فرزندانمان سریع صاحب خانواده شوند. در فرایند فرزندخواندگی همواره دو شرط اساسی وجود دارد، اول تأیید صلاحیت خانواده‌های متقاضی و دوم وجود فرزند واجد شرایط واگذاری در مراکز. هر فرزندی قابلیت واگذاری برای فرزندخواندگی را ندارد. بی سرپرست بودن یا بدسرپرست بودن کودک باید به تأیید مقام قضایی برسد. بنابراین برای انجام فرایند فرزندخواندگی و تحویل فرزند به خانواده‌ها زمان مشخصی وجود ندارد و این مشکل بزرگ بهزیستی و خانواده‌ها در موضوع فرزندخواندگی است.

● «درصد متقاضیان، کودک شیرخواری خواهند او با بیان اینکه بیش از ۹۰درصد متقاضیان تمایل به سرپرستی کودک شیرخوار دارند، می‌گوید: یکی دیگر از مشکل‌های بزرگ درباره فرزندخواندگی این است که بیشتر خانواده‌ها متقاضی کودک کان شیرخوار و با جنسیت دختر هستند. این نگرش باید اصلاح شود. زیرا همه فرزندان در سن‌های گوناگون و با هر جنسیتی نیاز به والدین دارند و حق دارند که از آغوش گرم خانواده بهره‌مند شوند. تعداد فرزندان دارای شرایط واگذاری به نسبت متقاضیان بسیار محدود است. خانواده‌ها همواره اظهار می‌کنند که خودمان می‌خواهیم از ابتدای تولد تربیت کودک را عهده‌دار شویم، درحالی که باید متناسب با موقعیت سنی و سطح توانمندی خود، سرپرستی فرزندی را عهده‌دار شوند. گاهی پیش آمده که فردی پنج‌ساله متقاضی سرپرستی کودک شیرخوار است. درباره این موضوع باید واقع‌بین باشیم و منفعت کودک را در نظر بگیریم. کم نبوده‌اند خانواده‌هایی که برای پذیرش سرپرستی کودک به آب و آتش زده‌اند و خیلی زود برای بازگرداندنش به بهزیستی مراجعه کرده‌اند. این طردشدگی ضربه بزرگی به کودک وارد می‌کند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد. پارسال را در استان خراسان رضوی فقط یک مورد فسخ فرزندخواندگی داشتیم که فرزند را دوباره به بهزیستی بازگردانده‌اند. سیاست و تلاش بهزیستی بر این است که این اتفاق برای هیچ کودکی پیش نیاید.

● بیان واقعیت‌ها، حق مسلم فرزندخوانده‌ها مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی با بیان اینکه بیشتر خانواده‌ها موضوع فرزندخواندگی را از کودک و اطرافیان‌شان مخفی نگه می‌دارند، گفت: بیان واقعیت موضوع بسیار مهمی است و باید باشیوه خاص و در زمان مناسب اتفاق بیفتد. باتوجه به نظریه‌های علمی، بازه سنی پنج تا سه سال بهترین سن بیان واقعیت به کودک است. خانواده‌ها با کمک گرفتن از مشاور در قالب قصه و داستان و روش‌های دیگری می‌توانند به راحتی این موضوع را با کودک در میان بگذارند. زیرا حق طبیعی کودک است که بداند پیشینه‌اش چه بوده است. گاهی پیش آمده است که یکی از بستگان در اثر کدورت یا اختلاف خانوادگی به نحوی ناشایست این موضوع را به فرزند اطلاع داده و با گفتن این حرف آینده‌بچه را تباه کرده است، درحالی که اگر خانواده فرزندپذیر به روش صحیح این موضوع را با فرزند در میان می‌گذاشتند، به راحتی می‌پذیرفت و دچار چالش نمی‌شد. کتمان حقیقت کار بسیار اشتباهی است و کودکانی که در سن بالاتر از این واقعیت باخبر می‌شوند، لطمه سنگینی می‌خورند. او در پایان بیان کرد: متقاضیان فرزندخواندگی با مراجعه به ادارات بهزیستی هر شهرستان توسط کارشناسان مربوط راهنمایی خواهند شد. طبق شیوه‌نامه، کارشناسان شهرستان‌ها حداکثر سه ماه پس از تشکیل پرونده باید آن را به اداره کل ارسال کنند و در مرحله بعدی همه چیز به تعداد خانواده‌های پشت نوبت و تعداد فرزندان دارای شرایط واگذاری بستگی دارد.

